



نوکر
نگاه کاسیکاراانه ندارد
حاج اکبر بازوبند
مداح پیشکسوت اهل بیت

شماره ۲۳ سه شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۵ ۸ جمادی الثانی ۱۴۳۸

جوانگرایی و جوان زدگی
در هیأت‌ها



حجت الاسلام احسان بی آزار تهرانی
واعظ و کارشناس معارف اسلامی

www.qudsonline.ir



حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری
بر توسل در مجالس حتی در جلسات
دانشگاهی و خاص تأکید دارد

روضه
برکت
طلبگی است





حجت‌الاسلام صالحی خوانساری در مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام) قم گفت: «آیا حقیقتاً درست است که شیعه علوی و فاطمی که زیر پرچم خدا و در نظام جمهوری اسلام زندگی می‌کند، دست خود را به سمت خارجی‌ها و بی‌دینان دراز کند و از رابطه با آمریکا و اسرائیل بگوید و برای این رابطه اقدام به هر کاری کند و خیلی از ارزش‌ها را زیر پا بگذارد! این نشان می‌دهد توانایی دین اسلام، مذهب و معرفت به خدا را خوب نشناخته‌ایم و به این واقعیت نرسیده‌ایم، که اگر می‌رسیدیم نباید چنین سخنانی را مطرح می‌کردیم تا چه بسا دنبال مسایل ارتباط با غیر خدا برویم. متأسفانه به ظواهر تن دادیم و به باطن نرسیدیم و به لفظ اکتفا کردیم و از واقعیت دور شدیم!»



مالک روز قیامت

سوره حمد

«مالک یوم الدین / مالک روز جزاست.» (آیه ۴ سوره حمد)

در دنیا اگر بخواهیم ظاهر بینانه نگاه کنیم پول و پارتی یا مدرک یا زبان بازی حرف اول را می‌زنند. به قول معروف اگر کسی بند «پ» را نداشته باشد همیشه یک جای کارش می‌لنگد اما اگر یکی از اینها یا همه را داشته باشد نانش توی روغن است ولی در آخرت آنچه حرف اول را می‌زند دین است و به همین خاطر به آن می‌گویند روز دین. یعنی روزی که دین و دینداری رونق و بازار و مشتری پیدا می‌کند. در آن روز دیگر نه پول به درد می‌خورد نه پارتی. چون خداوند مالک آن روز است و هر کس که در دنیا دیندارتر باشد سربلندتر است.



جوانگرایی و جوان‌زدگی در هیأت‌ها

حجت‌الاسلام احسان بی‌آزار تهرانی، واعظ و کارشناس معارف اسلامی

کوتاه خود محدود کنند و تحت کنترل خود بگیرند. این موضوع را هم در فضای حقیقی و هم فضای مجازی مشاهده می‌کنیم. در این میان لازم است نکته‌ای را به کسانی که می‌خواهند در صحنه فرهنگی و مذهبی فعالیت داشته باشند گوشزد کنم. در جریان آندولس (اسپانیای فعلی) دشمن تجربه تلخی برای مسلمین رقم زد. در شهری که ۸۰۰ سال مسلمانان در آن پایگاه داشتند، با برنامهریزی و جنگ نرم این ۸۰۰ سال سابقه را برای نسل جوان هدفگذاری کردند و با برداشتن سد عقلایت، متشرع و متدین بودن جوانان را در شهوت غوطه‌ور کردند که موجب شد آنها آسیب ببینند. اگر واقعا می‌خواهیم جوانان باصلاحیت و شادابی داشته باشیم، اولین مسأله کنترل احساسات و غرایز است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده: «کسی که عقل او بر هوای نفسش غلبه پیدا کند، رستگار خواهد شد و بالعکس کسی که هوای نفس او بر عقلش غلبه پیدا کند، رسوا و مفتضح خواهد شد». لذا باید در این زمینه کار کنیم. یعنی درواقع جوانان را به سمت تعدیل قوا ببریم. این دست از اقدامات خیلی اهمیت دارد. البته در این راستا باید با ادبیات مناسب، گفتمان صحیح، تفهیم قیمت جوان و تشویق قدم برداشت. در یک حدیث قدسی آمده: «جوانی که بتواند بر غضب و شهوت خود مدیریت کند، به فرشته‌ها شبیه است و از ملکوتیان خواهد شد». البته این کنترل شرایط زیادی را می‌طلبد. صرف گفتن و موعظه کردن نیست. امروز باید کاری کنیم که شرایط ازدواج، اشتغال و مسکن جوانان فراهم شود. البته در رأس این هرم، مسأله ازدواج جوانان است چراکه کنترل شهوت و غرایز را نمی‌توان به صورت موقت مدیریت کرد بلکه باید جوانان را نسبت به این موضوعات بیمه کرد و بهترین راه برون‌رفت از این معضل، ارزان شدن نرخ ازدواج جوانان است تا ان شاءالله ارتباطات حرام پایین بیاید و این مهم حمایت دولت و ملت را می‌طلبد. نکته بعدی مفید بودن و تعمیم عادت‌های درست به جوانان است. غیر از مسایل دینی که در جلسات گفته می‌شود، یک‌سری از مبانی مربوط به آداب و معاشرت‌ها نیز باید مطرح شود. مبانی‌ای مربوط به قداست بزرگ‌ترها در گذشته به صورت چشمگیری وجود داشته و امروز کمتر شده است؛ مبانی‌ای که می‌توان از آنها به عنوان چارچوب رفتارهای اخلاقی نام برد. اگر جوان به این مسیر عادت کند، در آینده به نتیجه مطلوبی دست پیدا خواهد کرد. یکی دیگر از خاصیت‌های مهم هیأت‌ها پیدا کردن دوستان خوب و مفید است؛ دوستی که تأثیرگذار باشد و باعث نشود که انسان ضربه ببیند. فضای هیأت‌ها و جلسات ما باید به گونه‌ای باشد که برخی هیأت را پاتوق و محل گعده‌های روزمره خودشان نبینند بلکه این مکان را محفلی معرفت‌افزا و زمینه‌ساز ترقی بدانند. امیدواریم مبلغین، ذاکرین و منبری‌های ما به این سمت بروند که جوانان ما را ترغیب کنند، نه اینکه خدای نکرده به جای جوانگرایی کار به جوان‌زدگی برسد و با خواسته‌های بدون کنترل جوانان بخواهیم جلو برویم. ان شاءالله وقتی جوان‌ها در کنار ما جمع می‌شوند، به برکت اهل بیت (علیهم السلام) این هنر را داشته باشیم که آنها را روز به روز به پله‌های ترقی مادی و معنوی نزدیک کنیم.

بدون تردید یکی از سرمایه‌های مهم عمر انسان‌ها، فصل جوانی است و به طور حتم می‌توان گفت جوانی بهار عمر انسان است. حتی در قیامت هم که ما را متوقف می‌کنند و از مجموع عمرمان سؤال می‌کنند، به طور مجزا از فصل جوانی می‌پرسند که جوانی‌ات را در چه راهی صرف کردی. چون جوانی سرمایه‌ای است که تا وقتی فقدان آن نصیب‌مان نشود، قدر آن را نمی‌دانیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده: «دو چیز هست که تنها کسی که آنها را از دست داده باشد قدرش را می‌داند. جوانی و تندرستی». به راستی کسانی که از مدیران فرهنگی و مذهبی جامعه ما به شمار می‌روند باید از ظرفیت و پتانسیل موجود بهترین استفاده را ببرند. بحمدالله شاهد این هستیم که در جلسات ما جوانگرایی به صورت گسترده و از راه و روش مناسب انجام می‌شود. از طرف دیگر در جلسات هفتگی نیز طرح معارف در دستور کار قرار گرفته که به ارتقای شعور دینی کمک می‌کند و توأمان شور اهل بیتی را در جلسات اهل بیت (علیهم السلام) ترویج می‌دهد. منتها باید به مدیران اجرایی فرهنگی این مسأله را متذکر شویم که جوانگرایی نباید به جوان‌زدگی مبدل شود چراکه جوانی با احساسات سنگینی که دارد اگر تحت مدیریت صحیح قرار نگیرد ممکن است به فصل بیماری مبدل شود. البته باید کاری کنیم که جوانی به سمت بیداری هدایت شود. جوان‌زدگی جایی است که ما فقط دنبال کمیت باشیم. یعنی جمعیت جوان را به سمت خودمان جذب کنیم اما محوریت دعوت صحیح را از دست بدهیم. محوریت دعوت صحیح اولاً باید در مسیری قرار بگیرد که به جوان تفهیم شود و احساسات و غرایز خود را کنترل کند. اصلاً خاصیت جوانی است و باید با عقل و شرع آن را کنترل کنیم که یک وقت در این راه جوانان ما کرامات و ارزش‌هایشان را از دست ندهند. بحمدالله جو غالب بر همین پایه است اما متأسفانه در بخش‌هایی جوان‌زدگی وجود دارد و برای اینکه جوانان را جذب کنیم، به هر قیمتی سراغ جذب آنها می‌رویم نه اینکه آنها را قیمتی کنیم! یعنی خدای نکرده عده‌ای می‌خواهند سدها را به صورت اباحه‌گری بردارند و آزادی را در معنا و مفهوم رها بودن قالب بگیرند. از ظرفیت جوانی سوءاستفاده کنند تا شاید آنها را در حصار اندیشه‌های



حجت‌الاسلام احسان بی‌آزار تهرانی، واعظ و کارشناس معارف اسلامی



ترویج هیأت‌های خانوادگی

محمد مهدی عامری، استاد حوزه و دانشگاه

یکی از مسایل تأثیرگذار، مناسب و عالمانه‌ای که در گذشته رونق بیشتری داشت هیأت‌های هفتگی، خانوادگی و همسایگی بود. از این طریق همسایه‌ها و دوست و آشنا به خانه‌های همدیگر می‌رفتند که در وهله اول صلح‌رحم را بجا می‌آوردند و از حال همدیگر باخبر می‌شدند که ثمرات و برکات بسیار بالایی را به همراه داشت. بسیاری از لحظاتی را که امروز مردم پای تلویزیون، ماهواره، فضای مجازی و تلفن همراه می‌گذرانند، آن روزها با صلح‌رحم و دورهمی‌های این‌چنینی به نحو شایسته و قابل قبولی طی می‌شد. ضمن اینکه در این دورهمی‌ها از مواردی مثل غیبت، دروغ و ردایی که در سبک زندگی اسلامی یک نوع آفت محسوب می‌شود در امان بودند چراکه هیأت با قرآن و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) برپا می‌شد و جایی برای این‌گونه موارد باقی نمی‌گذاشت. یکی از مطالب مهم در این زمینه، تربیت فرزندان بود که در محیطی این‌چنینی با هم بازی می‌کردند و از گوشه‌گیری و انزوا، فعالیت‌های مجازی و بازی‌های رایانه‌ای امروز هم در امان بودند. لذا احیای هیأت‌های هفتگی، خانوادگی و مجالس زنانه‌ای که به نام «سفره» برگزار می‌شد، در نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی می‌تواند بسیار مفید و تأثیرگذار باشد و جامعه فضای مجازی‌زده ما را دوباره به رویکردهای حقیقی خودش برگرداند. اهل بیت (علیهم السلام) فرموده‌اند: «ما مجلسی را دوست داریم که دور هم بنشینید و امر ما را احیا کنید». وقتی پرسیدند این امر چیست که باید احیا کنیم، فرمودند: «احادیث ما را بخوانید و حرف‌های ما را بزنید، قرآن بخوانید و آن را تفسیر کنید». یقیناً توجه به آیات و روایات در نوع زندگی و جهان‌بینی بشر تأثیرات بسیار مهمی خواهد داشت. البته آنچه از هیأت مدنظر است، یک هیأت استاندارد و سنتی است، نه برخی از هیأت‌هایی که خودشان سبک زندگی اسلامی ندارند و در آنها اسراف، سبک‌ها و رفتارهای غلط و ناپسند دیده می‌شود. یقیناً این نوع هیأت‌ها مدنظر ما نیست. هیأت را به این معنا نمی‌دانیم که یک عده‌ای دور هم جمع شوند، پارچه مشکی بزنند و یک نفر پشت میکروفن بخواند. هیأت یعنی مکانی که قرار است معرفت‌افزایی و معنویت‌افزایی در سایه توسل به اهل بیت (علیهم السلام) و احیای امر دین را به اوج خودش برساند. این هیأت است که در سبک زندگی تأثیر می‌گذارد و یقیناً افرادی که در این گردهمایی ارزشی، دینی و معرفتی شرکت می‌کنند حول قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) جمع می‌شوند و آن وقت ولایت‌پذیری، کار تشکیلاتی و دسته‌جمعی را می‌آموزند. دلسوزی، فداکاری، ایثارگری و اتفاق را که همگی جزو شاخصه‌هایی است که به نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند می‌توان در هیأت‌ها فرا گرفت. منظور از هیأت درواقع مکانی است که اگر بتوانیم به تعبیر حضرت امام (علیه السلام) هیأت‌های سنتی را احیا کنیم- البته با توجه به تغییراتی که به نسبت روز نیاز است- یقیناً سبک زندگی اسلامی به منصف ظهور خواهد رسید.



سامانه زیارت نیابتی برای تمامی محبین و مشتاقان زیارت اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان که بُعد مسافت مانع رسیدن آنها به کربلای ایران شده، تدارک دیده شده است تا عاشقان حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) که زیارتش برابر زیارت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است بتوانند جهت زیارت نیابتی و طلب حوائج دنیوی و اخروی در آن ثبت نام کنند. این سامانه در پورتال آستان حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) به آدرس www.abdulazim.com پیش بینی شده است.

بزرگداشت



چند روایت از «عباد فانی» خادم اهل بیت (علیهم السلام)
که خیلی زود از میان ما رفت

مصداق واقعی «عباد الله» بود

محمد سبحان سجادیان



امسال پیدامروی اربعین برای «عباد فانی» حال و هوای دیگری داشت. به محض برگشت از کربلا زانوهای غم بغل کرده بود که چقدر روزهای زیارت زود تمام می شود. این روزهای آخر هم در صفحه مجازی خود همواره می نوشت: «لنتنگم ارباب، بطلب آقا» و وقتی حوادث سوری به اتفاق افتاد برای مظلومیت حضرت زینب (علیها السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) بلندبلند گریه می کرد و شهادت رفیق دیرینه اش مهدی نوروزی به عنوان مدافع حریم آل الله دل او را شکست. شهاب مرادی در یادداشت خودش در مورد او نوشت: «عباد را همه دوست داشتند. امام حسینی و محب اهل بیت بود و همه دوستانش این را تصدیق می کنند». حتی به تعبیر احسان محسنی، ادب عباد فانی یک الگوی بلامنازع برای هیأتی های امروز است؛ همان مرد متبسم، خوش خلق، متواضع و بی ادعایی که هر کاری می کرد تا وحدت روبه در هیأت های مذهبی حاکم شود. عباد فانی در بساط امام حسین (علیه السلام) همه را دوست داشت و محبتش را ابراز می کرد. گفت و گوی کوتاهی با دوستان مرحوم عباد فانی که چهارم اسفندماه قلبش از حرکت ایستاد و برای همیشه با هیأت و هیأتی ها خدا حافظی کرد انجام دادیم که پیش روی شماست.

افتخار نوکری اهل بیت (علیهم السلام)

ششم مردادماه سال ۵۶ در شمیران به دنیا آمد. پدر و مادرش نام او را «عباد» گذاشتند. نوکری را از بدو نوجوانی سیره خودش کرد و در دهه اول زندگی اش با هیأت «حسین جان» همراه شد. او با بسیاری از خادمین

دیگر یک فرق اساسی داشت و آن این بود که هر کار سختی را قبول می کرد. به دنبال دیده شدن نبود ولی دوست داشت نوکران سیدالشهدا (علیهم السلام) دیده شوند. به خاطر همین در کنار آشپزی، کارهای خدماتی و ساماندهی تردد مستمعین، به کار عکاسی

هیأت نیز علاقه داشت و بسیاری از خاطرات و تلاش های نوکران سیدالشهدا (علیه السلام) چه در جامه خادمی و چه در لباس ستایشگری و منبری را با تصویربرداری زیبایش به ثبت می رسانید. تقریباً همه هیأت های معروف مذهبی و ستایشگران صاحب نام کشور از او به نیکی یاد می کنند. زیرا او مردی بود که همواره برای ائتلاف و وحدت میان جامعه مداحان می کوشید و تلاش می کرد ارتباط و تعامل میان نسل جدید و پیشکسوتان بیشتر برقرار شود. زمانی که بسیاری از مداحان دوست داشتند به محضر حاج منصور ارضی برسند، او واسطه می شد و وحدت آفرینی می کرد چرا که از هم گسیختگی در درون هیأت ها او را رنج می داد.

نماز اول وقت و توسل

از سال ۷۰ که وارد هیأت «حسین جان» شد کارهای خدماتی، آشپزخانه و ساماندهی وسایل نقلیه و تردد مستمعین را برعهده گرفت. همیشه به حرف های بزرگ ترها گوش می داد و سعی می کرد به نصایح آنها عمل کند. اعتقاد داشت گوش زدهای بزرگان براساس یک تجربه ارزشمند است و اگر امروز به قول دوست صمیمی مرحوم عباد فانی (حسین قربانچه) بخواهم فردی را که در مسیر اجرای نصایح و رهنمودهای بزرگ ترها و پیشکسوتان عرصه هیأت های مذهبی حرکت می کرد مثال بزنیم، عباد فانی واقعا شخصیت برجسته این عرصه به شمار می رود چرا که در برپایی نماز اول وقت، توسل به اهل بیت (علیهم السلام) و رعایت حلال و حرام و حدود مسایل دینی و شرعی پیشقراول بود.

سیدحمید خانیان از اعضای هیأت امنای مسجد ارک می گوید: «پیرغلام اهل بیت سیدمهدی موسوی، عباد را روز قبل از فوتش در مراسم بزرگداشت معروف به «آقا جون» می بیند، او در گوشه ای از مسجد ارک ایستاده بود و با تأمل به اطراف نگاه می کرد اما مثل همیشه نبود و حال و هوای دیگری داشت چرا که وقتی به او گفتیم گرسنه ای، با حالت خاصی گفت خودم نه ولی اگر غذا دارید به این دوستم بدهید. وقتی خبر درگذشت عباد را به ما دادند بهت زده شدیم. از روزهایی که این خادم باصفای اهل بیت (علیه السلام) چه در ایام محرم و چه ماه مبارک رمضان در هیأت قدم گذاشت از هیچ کوششی دریغ نکرد».

مصداق عملی روایات معصومین (علیهم السلام)

حسین قربانچه در مورد ویژگی هایی رفتاری عباد فانی می گوید: «کارهایی که عباد انجام می داد مصداق عملی روایت هایی بود که سال ها در هیأت ها می شنید. کسی را پیدا نمی کنید که از او دلگیر باشد. او هزاران خاطره خوش از خودش میان هیأتی ها به جا گذاشته. اوقات فراغت عباد بیشتر در سفرهای زیارتی می گذشت و بیش از همه ذوات مقدسه، به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ارادت داشت و همیشه به اطرافیان می گفت دعا کنید توفیق شود تا در منزل خودم روضه امام جواد (علیه السلام) را برپا کنم. پس از فوت عباد زمانی که در منزلش با حضور ذاکرین اهل بیت (علیه السلام) روضه امام جواد (علیه السلام) برپا شد همه مستمعین حس و حال عجیبی داشتند».



کمک به فقرا و نیازمندان

حسین قربانچه، عباد فانی را مرد مؤدب هیأتی ها می داند که هیچ گاه به کسی توصیه نمی کرد و اعتقاد داشت خودش هنوز به نصیحت و آموزش نیاز دارد. از این رو همواره با تواضع و کمال ادب و احترام با مردم برخورد می کرد و خودش پیشقراول فراگیری مفاهیم ارزشی و معرفتی از سوی دیگران بود. عباد فانی بعد از یک دهه نوکری و خادمی در هیأت «حسین جان» به حاج منصور ارضی نزدیک تر شد تا اینکه در سال ۸۱ افتخار دامادی حاجی را به دست آورد. احسان محسنی از همکاران و دوستان نزدیک عباد فانی می گوید: «عباد چند شاخصه مهم داشت که ریشه آن را می توانیم در احادیث و روایات معصومین (علیهم السلام) بیابیم. عباد درواقع اندوهش در دلش بود و فرحش در چهره اش. یعنی اگر در اوج ناراحتی بود، با مردم به خوبی برخورد می کرد و بانشاط و شاداب بود. حواسش به همه به ویژه نیازمندان و فقرا بود. خودش را موظف می دانست قبل از سخنرانی به هیأت بیاید و از مباحث منبری ها و عزاداری مداحان بهره لازم را ببرد. درست است که عباد نه مداح بود و نه شاعر اما مایه برکت جلسات اهل بیت (علیه السلام) بود و با عکاسی، ضبط و ثبت خاطرات مداحان و نوکران امام حسین (علیه السلام) در هیأت خدمت می کرد».





کتاب «حکمت‌نامه فاطمی» حاوی فضیلت‌های حضرت زهرا (علیها السلام) در حوزه حکمت‌های خانوادگی، حکمت‌های اخلاقی و عملی، حکمت‌های عبادی و حکمت‌های اعتقادی و سیاسی با حضور حجج اسلام سبحانی‌نیا و فرجی رونمایی شد. این کتاب پنج بخش است که عبارتند از: فضیلت‌های حضرت زهرا (علیها السلام)، حکمت‌های خانوادگی، حکمت‌های اخلاقی و عملی، حکمت‌های عبادی و حکمت‌های اعتقادی و سیاسی.



بیشتر پامنبری‌هایش جوانان هستند؛ روحانی خوش‌صحبتی که حرف‌هایش به دل می‌نشیند و نکته‌هایش راهنمای زندگی است. حجت‌الاسلام محمد مهدی ماندگاری سال ۶۱ وارد حوزه علمیه‌ای شد که قبلاً آن را در دوران دبیرستان به صورت مقدماتی تجربه کرده بود. در همین آغاز راه بود که طلبه جوان به عنوان یک رزمنده تبلیغی به جمع رزمندگان پیوست. او حضور در یگان‌های خراسان اعم از لشکر ۵ نصر، تیپ ۴۵ جوادالائمه (علیه السلام) و لشکر ۲۱ امام رضا (علیه السلام) را تجربه کرد. حجت‌الاسلام ماندگاری افتخار می‌کند که محضر فرماندهان شهیدی همچون چراغچی، برونسی و کاوه را درک کرده. او از سال ۶۸ تجربه تبلیغی دوران جنگ را با خود به محافل دانشگاهی، هیأت‌های مذهبی، مدارس و رسانه آورد و هر روز دامنه تبلیغات و انتقال مفاهیم ارزشی، معرفتی و دینی او گسترده‌تر و رونق بیشتری پیدا کرد. او در ۵۲ سالگی مسئولیت مؤسسه فرهنگی روایت سیره شهدا را برعهده دارد.



● شما به عنوان یکی از سخنرانان دانشگاهی مخاطبان بسیاری دارید. مخصوصاً جوانان که دنبال شنیدن حرف‌های علمی همراه با معرفت شما هستند. چطور خطابه، منبر و سخنرانی‌های علمی و اجتماعی را همپای هم پیش می‌برید؟ به اعتقاد بنده خطابه و منبر باید چهار پایه داشته باشد. پایه علمی، پایه فنی و مهارتی، پایه هنری و پایه توفیق از طرف حق تعالی. به دلیل اینکه تبلیغ بر پایه‌های علم، مهارت، هنر و رسالت الهی استوار است. در مسیر طلبگی، رشته تخصصی تبلیغ را انتخاب کرده‌ام و از راه‌ها و مهارت‌های مختلفی بهره می‌برم تا به بهترین شکل ممکن این رسالت را دنبال کنم. از این رو خطابه و منبر علمی را لازمه یک تبلیغ موفق می‌دانم. به عنایت الهی از زمانی که منبر می‌روم با اعتقاد به این جمله زیارت جامعه کبیره که امام هادی (علیه السلام) می‌فرماید: «بِمُؤَلَّاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا...» اعتقاد بر این است که منبر، سخنرانی و خطابه باید همانند یک استاد تعلیم‌دهنده تأثیرگذاری داشته باشد و با تأسی به فرمایشات امام هادی (علیه السلام) منبری و واعظ با محتوای علمی برگرفته از مباحث دسته‌بندی شده، مفاهیم را راحت‌تر به مستمع انتقال دهد.

● یکی از بهترین کارهایی که در بعضی سخنرانی‌های دانشجویی‌تان انجام می‌دهید سبک پرسش و پاسخ شماست که از این طریق به جوانان اجازه می‌دهید دغدغه‌هایشان را بیان کنند.

درست است. سبک حقیر و بسیاری از مبلغین هنگام وعظ، محاوره‌ای است. محاوره‌ای بیشتر سمت و سوی گفت‌وگو و مباحثه دارد. این شیوه‌ها برگرفته از سبک‌هایی است که خدا در قرآن به اولیای خود تأکید می‌کند محاوره‌ای و ساده با مردم سخن بگویند و حتماً پرسش و پاسخ انجام دهند. گاهی منبری می‌تواند بالای منبر پرسش و پاسخ‌ها را خودش طرح کند و به آنها پاسخ دهد و گاهی می‌تواند این فضا را در اختیار مخاطب خود قرار دهد. هر دوی این سبک‌ها پسندیده و عالمانه‌اند. گاهی اوقات یک منبری موضوعات خودش را براساس پرسش مخاطبان تنظیم می‌کند و گاهی هم همانجا اجازه می‌دهد مخاطب پرسش خودش را داشته باشد. به نظر من انتخاب و استفاده از این دو سبک به اقتضای جلسه برمی‌گردد. وقتی جلسات، جلسات دانشجویی و علمی باشند فرصت و فضای پرسش و پاسخ بیشتر مهیا می‌شود و اجازه می‌دهیم مخاطب پرسش خود را مطرح کند ولی وقتی برخی از جلسات این اقتضا را نداشته باشند، مناسب است که مبلغ

حجت‌الاسلام محمد مهدی ماندگاری بر توسل در مجالس حتی در جلسات دانشگاهی و خاص تأکید دارد

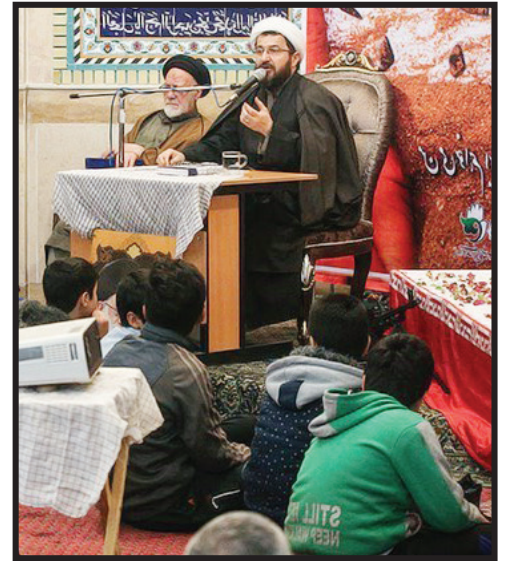
روضه برکت طلبگی است

♦ مجتبی برزگر





جانشین فنی و مهندسی ستاد بازسازی عتبات عالیات در پروژه صحن حضرت زهر^(ع) از آغاز ساخت گنبد مقام امام زین‌العابدین^(ع) در جوار حرم مطهر علوی خبر داد. در ضلع غربی حرم مطهر و در نزدیکی «صافی صفا یمانی» در نجف اشرف، مقام با عظمتی قرار دارد که از آن به نام «مقام امام زین‌العابدین^(ع)» یاد می‌شود. این مقام به سیدالسادین امام علی بن الحسین^(ع) منسوب شده. براساس اقوال تاریخی، آن حضرت زمانی که قبر امیرالمؤمنین^(ع) بر مردم پنهان بود از این مکان جدش را زیارت می‌کرد. بعدها در جایگاه زیارت و نماز ایشان مسجدی بزرگ ساخته شد. این مقام تاریخی که نخستین زیارتگاه امیرالمؤمنین محسوب می‌شود اکنون در حال بازسازی است.



و خطیب خودش پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی و احتمالی را در ذهن مخاطب طرح کند و به تناوب به آنها پاسخ دهد.

● **عده‌ای معتقدند روضه‌خوانی برای یک سخنران یا کارشناس مذهبی مایه برکت و مباحثات است. نظر شما در این خصوص چیست؟**

هنوز طلبه نشده بودم که روضه‌خوانی می‌کردم. چون پدرم روضه‌خوان و منبری بود افتخارم این است که خیلی زود جامه نوکری امام حسین و اهل بیت^(ع) را به تن کردم. خیلی کوچک بودم که بزرگ‌ترها بنده را بلند می‌کردند تا قدم به تریبون برسد و روضه بخوانم. در جبهه‌ها علاوه بر رسالت فرهنگی و رزمی، روضه‌خوان و مداح هم بودم. برکت طلبگی، خطابه و منبر را در روضه می‌دانم و اعتقاد دارم انسان هر قدر هم بالا برود نباید برکت روضه‌خوانی را از خودش دور کند. زیرا منبره‌ایش کم‌برکت و کم‌رونق می‌شود. به همه مبلغین توصیه می‌کنم حتی در جلسات دانشگاهی و در جلسات خاص توسل را فراموش نکنند. حتما منبر را با یک توسل ختم کنید که آن توسل به منبر، خطیب، مخاطب، محتوا و مجلس نور می‌دهد. اعتقاد داریم هر قدر هم گاهی به اصطلاح امروز، واعظین ما نام‌آشناتر می‌شوند از روضه‌خوانی دریغ نکنند و همواره توسل به اهل بیت^(ع) را افتخار خود بدانند.

● **می‌دانید که دشمن با هر حربه‌ای می‌کوشد به هیأت‌های مذهبی کشور ضربه وارد کند و حربه جدید او شاید کم‌رنگ کردن فضای روضه و پررنگ کردن سنت‌های غلط عزاداری است. به نظر شما هیأتی‌ها مخصوصاً از کان هیأت چگونه باید نسبت به شناخت دشمن و تهدیدات آن آگاه باشند؟**

بحث دشمن‌شناسی و آگاهی از حربه‌ها، اهداف و تاکتیک‌های دشمن از وظایف ماست. دشمن می‌داند تأثیر روضه سریع، آنی و وسیع است. زیرا اگر در طول ۱۴۰۰ سال اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) را به حاشیه راندند و نهایت غربت و خانه‌نشینی را به این ذوات مقدسه تحمیل کردند به تعبیر امام راحل، اسلام را این روضه‌ها حفظ کرده. چون درب باغ معارف اهل بیت تقریباً به روی خواص باز بوده و الان به عنایت الهی که نظام اسلامی برپا شده، باب معارف به روی همه مردم ایران و دنیا باز شده و نباید در این شرایط از برکت روضه غافل شویم. دشمن می‌داند اگر باب روضه را ببندد، درواقع باب گزینش و پذیرش را بسته است. مردم اعتقاد دارند حفظ ارتباطشان با دین در طول ۱۴۰۰ سال با روضه بوده. لذا همه منبری‌ها و هیأتی‌ها ما باید مراقب باشند اصالت و سلامت روضه را حفظ کنند. نگذاریم با تحریف، تغییر، حذف یا تضعیف روضه آب به آسیاب دشمن بریزند.

● **یکی از بحث‌هایی که این روزها در محافل مذهبی مطرح می‌شود، واعظ‌محوری و مداح‌محوری است که بسیاری از**

مداحان، منبری‌ها را مقصر می‌دانند و برخی از منبری‌ها هم گلایه دارند که چرا مداحان هنگام ستایشگری، کار وعظ هم انجام می‌دهند. در این میان کدام یک مقصرند؟

اتفاق خوبی نیست که عده‌ای فقط به واعظین اکتفا کنند و برخی هم به مداحان و روضه‌خوانان. چون ما هم به شور نیاز داریم و هم شعور. شور برای پذیرش و زنده نگه‌داشتن و حفظ ارتباط همیشه لازم است. شعور هم برای عمق‌بخشی ضرورت دارد. این برخورد‌های افراطی و تفریطی که عده‌ای طرفدار شور هستند و اعتنایی به شعور ندارند و عده‌ای هم از طرفداران شعور هستند و اعتقادی به شور ندارند، هر دو شیوه غلطی است. از سوی دیگر اگر هر کسی وظیفه خودش را درست انجام دهد یعنی مبلغ، خطیب و سخنران ضمن اینکه شعور را تبیین می‌کنند مقدمه‌ساز شور باشند و مردم را برای اهمیت شور هم نگه‌دارند و مداح هم از طرف دیگر ضمن اینکه شور را تأمین می‌کند، مؤکد و مؤید شعور هم باشد و به همه بگوید تا آن محتواها نباشند ما نمی‌توانیم شما مستمعین را دائماً داشته باشیم، قطعاً بهترین مسیر را هیأت‌های ما طی خواهند کرد. چون ستایشگری که بخواهد بین مداحی‌اش نکاتی را گوشزد کند اگر مداحی اهل علم، مطالعه، تحقیق و تدبر باشد چنین توصیه‌هایی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. همچنان که یک منبری و خطیب در پایان منبر روضه بخواند، کار درست و جامعی انجام داده است.

● **متأسفانه بعضی از واعظین با مطرح کردن برخی موضوعات به شیوه غیرعالمانه می‌کوشند به منبری پر مخاطب تبدیل شوند. آنها راه را اشتباه می‌روند و در جامعه چالش و ابهامات عدیده‌ای ایجاد می‌کنند. نظر شما در این خصوص چیست؟**

کار درستی نیست. واعظین و مبلغین را به وعظ و منبری عالمانه، ماهرانه، هنرمندانه و مؤمنانه دعوت می‌کنم.

● **یکی از ارکان هیأت، «مداح» است. مداح به عنوان یک الگو در میان قشر مذهبی و خصوصاً جوانان مذهبی مطرح و پذیرفته شده است. این الگو بودن در ابعاد مختلفی از سبک و شیوه زندگی شخصی، تفریحات و مسایل این‌چنینی تا سلوک مذهبی و... مطرح است. تأثیرگذاری مادحین در فضای کنونی جامعه را چگونه تحلیل می‌کنید و آیا مادحین امروز به عنوان الگوهای مؤثر در میان جوانان مطرح هستند؟**

فقط به مداح نگویید. هم خادم، هم مدیر هیأت و هم منبری همه اعتبارشان به اعتبار اهل بیت^(ع) وابسته است. همه باید مراقب باشند با رفتار، کردار و گفتارشان آبروی اهل بیت را نبرند. اگر بدانند که متصل به اهل بیت^(ع) هستند، ان‌شاءالله دقت بیشتری در زندگی‌شان خواهند داشت و در نتیجه از خودشان الگوی زیبا و مصداقی عملی به جامعه معرفی خواهند کرد.

● **چند سالی است در آستانه نوروز این توفیق را داریم که به حضرت زهر^(ع) متوسل می‌شویم. ضرورت مقید بودن به سبک زندگی اسلامی و فاطمی در چیست؟**

حضرت زهر^(ع) برای همه به ویژه بانوان الگویی بلامناع است و با مرور اجمالی بر زندگی آن حضرت سبک زندگی اسلامی مجسم می‌شود. سبک زندگی اسلامی سه پایه دارد: اول بدون پرسش از اسلام کاری انجام نشود. یعنی براساس فهم دینی، زندگی‌ها رونق بگیرند. زیرا حضرت زهر^(ع) با وجود اینکه حجت بالغه حق است، بدون اجازه امیرالمؤمنین^(ع) کاری را انجام نمی‌دهد. مردم اگر با فهم، اجازه و با پرسش دینی کاری را به سرمنزل مقصود برسانند حتماً تلاششان به نتیجه می‌رسد. پایه دوم سبک زندگی اقتدا به ولی یا به عبارت دیگر رعایت حدود دینی است. اگر پشت سر ولی حرکت کنیم، درواقع حدود دینی را رعایت کرده‌ایم. حضرت زهر^(ع) پشت سر حضرت علی^(ع) حرکت کرد با اینکه مقام بالایی داشت. پایه سوم سبک زندگی اسلامی هم این است که در مسیر دین استقامت و مجاهدت کنیم همچون حضرت زهر^(ع) که با تمام وجودش در راه اعتلای اسلام استقامت و مجاهدت کرد.

● **عده‌ای می‌گویند تکنولوژی‌های روز و فناوری‌های پیشرفته در روند حرکت در مسیر نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی**

سخنران خوب کیست؟



برای اینکه یک سخنرانی جذاب باشد و مخاطبان بیشتری پای منبر بنشینند، رعایت اصول خاصی ضروری است. حجت‌الاسلام ماندگاری به مبلغین و منبری‌ها پیشنهاد می‌دهد: «سخنران خوب حتماً باید مطالعات گسترده در حوزه‌های مختلف داشته باشد و نسبت به مباحثه محتوای منبر با دو سه نفر از علما هم‌تراز خودش اهتمام بورزد. چون وقتی مباحثه انجام می‌شود، زوایای مختلف بحث به خوبی در وهله اول برای خود فرد روشن می‌شود. علاوه بر این حتماً قبل از منبر رفتن توسل داشته باشد و از خدا بخواهد: «اللَّهُمَّ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ الْهَمِّي التَّقْوَى / خدایا! به هدایت گویایم کن و تقوایا به من الهام فرما». از همه مهم‌تر حتماً با دسته‌بندی و تنظیم مباحث در جلسه حاضر شود. مباحث مقدمه و متن اوج و فرود داشته باشد. مطالب را بدون نتیجه‌گیری رها نکند تا برای مردم قابل فهم و کاربردی باشد. برای رسیدن به مقصد کاربردی صحبت کردن حتماً مصادیق و مثال‌های متعددی آرایه دهد. این‌ها از جمله تلاش‌هایی است که باید یک سخنران قبل از منبر خود داشته باشد تا این منبر مفید و مؤثر واقع شود».



۱
۱
۱

نماینده ولی فقیه در کاشان از کف زدن و سوت زدن به شدت انتقاد کرد و گفت: «ما در اسلام چیزی به نام کف زدن و سوت زدن نداریم اما متأسفانه در برنامه هایی که در سطح کشور برگزار می شود این مسأله رایج شده» آیت الله العظمی بروجردی در افتتاحیه نخستین کنگره بین المللی محتشم کاشانی با اشاره به اینکه سند کف زدن از کجا به فرهنگ اسلام و انقلاب وارد شده، گفت: «بعد از ۵۴ سال کار علمی و پژوهشی و تحقیقاتی در منابع اصیل اسلامی هیچ سندی مبنی بر اینکه دست زدن در اسلام وجود داشته باشد به دست نیامد».

جوانان را با آغوش باز پذیریم

حاج اکبر بازوبند معتقد است نوکر امام حسین (علیه السلام) باید همه چیزش نوکری باشد. وقتی مداحی می ایستد و می خواند باید طوری باشد که مردم از حرفش، خواندنش و ایستادنش لذت ببرند. بعضی افراد وقتی می خواهند حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را معرفی کنند زیبایی های ظاهری ایشان را بیان می کنند یا می گویند آن حضرت چشم ها و صورت قشنگی داشت. با این اوصاف اگر کسی قشنگ تر از حضرت عباس (علیه السلام) باشد او فوق ابوالفضل است؟ وقتی می خواهید حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را معرفی کنید بگویید عباس کسی است که امام حسین (علیه السلام) به او می گفت جانم به قربانت و امام حسین این جمله را برای زیبایی او نمی گفت. اخلاص حضرت عباس (علیه السلام) مقام و ادب او بود. آن حضرت همیشه به امام حسین (علیه السلام) آقای من و مولای من می گفت. چون می گفت مادر من ام البنین است و مادر برادرم حسین، حضرت زهراست. قبل از انقلاب زمانی که آیت الله رشاد زنجانی امام جماعت مسجد صاحب الزمان (علیه السلام) بود اگر در شعر و سخنانی که در مجالس گفته می شد مقام اهل بیت (علیهم السلام) تضعیف می شد آن فرد را صدا می کرد و به او تذکر می داد. متأسفانه مجالس این روزها مثل گذشته ها نیست! چون ملاک ها عوض شده و گاهی مجالس برمبنای پول سنجیده می شوند. باید با آغوش باز جوانان را بپذیریم. وقتی منبر می رویم، همین که دهان باز می کنیم آنها می فهمند که چه می خواهیم بگوییم: «من تربیت به دامن زهرا گرفتم/ در بزم انس عصمت کبری نشسته ام».

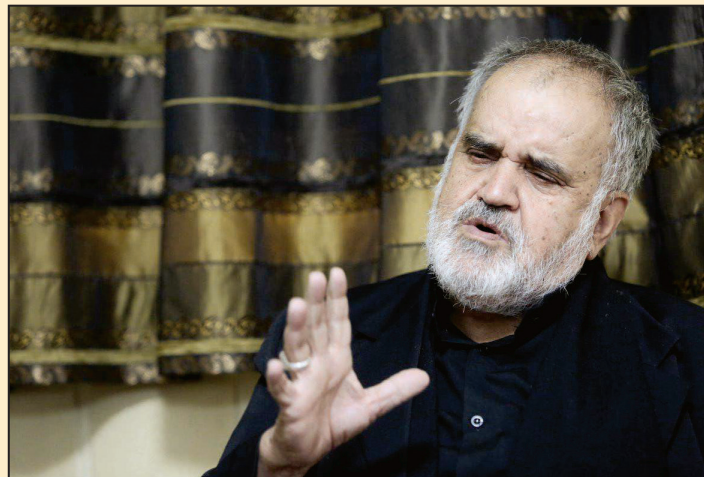
نوکر امام حسین (علیه السلام) اگر درست نوکری کند، روزی که می میرد عزتش بیشتر می شود. با این حال باید خیلی حواسمان جمع باشد که اگر راهی را به اشتباه می رویم، سریع برگردیم و از مردم عذرخواهی کنیم. چون حضرت زهرا (علیه السلام) صاحب این مجالس است. در دوران میانسالی بودم که به یکی از مجالس روضه دیر رسیدم. به همین دلیل جلوی در مسؤول هیأت برخورد بدی با من کرد. من هم ناراحت شدم و دور زدم که بروم. وقتی خواستم از کوچه خارج شوم، پیرمردی جلوی موتورم را گرفت و گفت کجا می روی؟ گفتم مگر نمی بینی قطور با من حرف زد! گفت نمی خواهد بخوانی. فقط خواهش می کنم با این اعصاب خراب رانندگی نکن. بیا یک لیوان آب بخور و چند دقیقه بنشین و بعد برو. آب را که خوردم، گفت بیا برویم آشپزخانه غذایت را هم بدهم. گفتم حاجی! غذا از گلویم پایین نمی رود. گفت چند لحظه بیا کارت دارم. خلاصه به هر ترتیبی بود رفتم به آشپزخانه. وقتی وارد آشپزخانه شدم، نگو او می خواست چیزی را به من بفهماند. گرمای آنجا نشست روی صورتم. دیدم زیر بیشتر از ۲۰ دیگ روشن است و آشپزها مدام عرقگیرهایشان را از شدت گرما می جلانند و مدام آب می خورند. وسط آشپزخانه وا رفتم و گفتم بیچاره من که به خاطر یک چیز کوچک که حقم بود همه چیز را به هم زدم! بعد رفتم منبر و کارم را انجام دادم.

• نظر شما درباره پاکت و صله چیست؟

صله برکت مجلس امام حسین (علیه السلام) است. برای من لذت بخش ترین صله وقتی بود که حکم پیرغلامی را در مسجد جمکران گرفتم. انگار تمام دنیا را به من داده بودند. بزرگ ترها به ما یاد داده اند که پول امام حسین (علیه السلام) را نهمارده توی جیبمان بگذاریم. این پول برکتی دارد که تمام نمی شود. بزرگ ترها به ما آموخته اند که اگر محرم چند پاکت به شما دادند، تک تک آنها را نهمارید. با هم قاطی کنید و در جیبتان بگذارید. اگر شما خدمت یک مرجع یا رهبر معظم انقلاب برسید و از آنها هدیه ای طلب کنید آن هدیه هر قدر هم که ناچیز باشد تا سال ها آن را نگه می دارید. شاید ارزش مادی نداشته باشد اما برای شما خیلی گرانبهاست. در کل مخالف گرفتن پول نیستیم اما نوع نگاه به این موضوع اهمیت دارد. نگاه ما درباره دریافت صله نباید کاسبکارانه باشد. دیدم ما باید نمک امام حسین (علیه السلام) باشد. بعد آن وقت ببینیم امام حسین (علیه السلام) چگونه هدایت مان می کند.

• چرا برخی هیأت های این دوره از نظر محتوا غنی نیستند؟

باید در هیأت ها از طلبه های جوان استفاده کرد و توسط آنها نکات لازم را به جوانان یاد داد. جوانان بیشتر دنبال سبک و شور هستند. البته مجالسی هست که مورد پسند اهل بیت (علیهم السلام) و جوانان است ولی به هر حال غیر از شور و غیر از گریه باید هدف امام حسین (علیه السلام) را هم بیان کرد و مردم را در این مجالس ساخت. حالا که جوانی آمده تا برای اباعبدالله گریه کند و سینه بزند، باید به او نماز و روضه و مبارزه با کفر را آموخت و او را ساخت. این طور نباشد که فقط به هیأت بیایند و سینه بزنند.



حاج اکبر بازوبند، مداح پیشکسوت اهل بیت (علیهم السلام) معتقد است صله امام حسین (علیه السلام) برکت دارد

نوکر، نگاه کاسبکارانه ندارد

♦ علی جواهری



«من از کودکی عاشقت بوده ام/ حسین جان قبولم نما گرچه آلوده ام/ به هنگام پیری مرا نم ز پیش/ که صرف تو کردم جوانی خویش/ مبادا برانی مرا از درت/ به پهلوی شکسته مادرت». این شعر شرح احوال پیرغلامانی است که تمام عمرشان را صرف نوکری دستگاه سیدالشهدا (علیه السلام) کرده اند. همه این عاشقان از کودکی عهد بسته اند تا آخرین لحظه ذکر لب شان «حسین، حسین» باشد. حاج اکبر بازوبند پیرغلام اهل بیت (علیه السلام) از این دسته افراد است. قبل از ماه مبارک رمضان بود که مطلع شدیم او بیماری به قدری به حنجره این ذاکر پیشکسوت آسیب زد که او را خانه نشین کرد ولی برخلاف انتظار همه بهبود یافت و در روزهای محرم صدایش گرمابخش محافل عزای امام حسین (علیه السلام) شد. با حاج اکبر بازوبند به گفت و گو نشستیم.

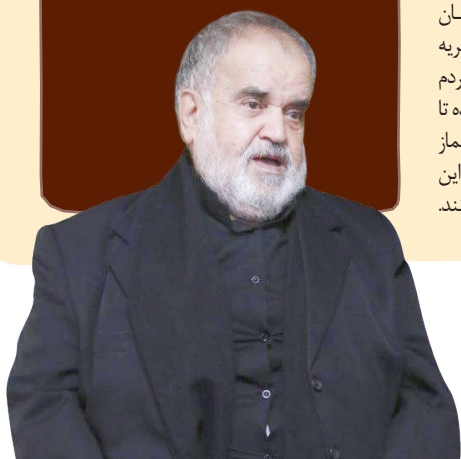
ندارم. خلاصه این حال زار چند وقت همراه بود تا اینکه یک هفته مانده به محرم دل را به دریا زدم و به امام رضا (علیه السلام) پناه بردم و به اربابم امام حسین (علیه السلام) توسل کردم. تا اینکه بعد از چند روز احساس سلامتی کردم. خدا را شکر که به نوکری محرم و صفر رسیدم.

• گفتید صدای خوش ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) عنایت است. چرا عده ای با دانستن این موضوع حرمتش را نگه نمی دارند؟ توضیح شما به عنوان پیشکسوت چیست؟

نوکر همیشه باید خوب نوکری کند. اربابی مثل امام حسین (علیه السلام) زیر این آسمان نیامده و نخواهد آمد. نوکر سیدالشهدا (علیه السلام) باید وظیفه اش را درست انجام دهد. جالب است که همه جای دنیا وقتی پستی را از یک صاحب منصب می گیرند، جایگاهش را از دست می دهد اما

• اگر موافق باشید ابتدا درباره بیماری حنجره تان توضیح دهید. از حالتان در آن زمان که فکر می کردید دیگر نمی توانید بخوانید بگویید و اینکه چگونه بهبود یافتید؟

اواخر ماه مبارک رمضان همراه کاروانی به کربلا مشرف شدم که در آنجا خیلی هوا آلوده بود. به شدت به حنجره ام آسیب وارد شد به طوری که وقتی به ایران آمدم و به یکی از هیأت های ماهانه رفتم صدایم در نمی آمد تا نام ارباب را بر زبان بیاورم. بابت این موضوع خیلی ناراحت بودم. خدا می داند آنقدر حالم خراب شده بود که نمی دانستم چه کار باید بکنم. بی تاب شده بودم. نمی دانستم چه بلایی سرم آمده. چون دکترها هم تشخیص نمی دادند. تنها چیزی که من دارم تا در راه آقایم خرج کنم همین صداست. اگر صدایم را از دست بدهم چیزی





تولیت آستان قدس رضوی با بیان اینکه نظام سازی قرآنی بر پایه آموزه های دینی یکی از دغدغه های اصلی تمام معصومین و اولیای الهی بوده، اظهار کرد: «قلمه دین خدا، امر به خوبی ها و نهی از پلشتی ها و زشتی ها، نجات مستضعفین در عالم، گر هگشایی از مشکلات مردم و نزدیکی انسان ها به پروردگار متعال از دغدغه های اولیای الهی و انسان های سالک الهی است». وی به سختی ها و مشکلاتی که حضرت علی و حضرت فاطمه (علیهم السلام) برای حفظ اسلام ناب متحمل شدند اشاره کرد و گفت: «تمام معصومین در جهت حفظ اسلام و ولایت گام برمی داشتند و در این راه دچار ابتلائات فراوانی شدند».

مدافعان حرم؛ گل کار محمد مهدی

یکی از کارهایی که محمد مهدی اجرا کرد و این روزها خیلی گل کرده، مداحی برای مدافعان حرم است. به قدری این روضه خوانی او زیباست و اشکها را جاری می کند که دلم از او دعوت می شود در برنامه هایی چون یادواره شهدای مدافعان حرم، حماسه نهم دی و... برنامه اجرا کند. شاید خیلی ها فکر کنند که من محمد مهدی را لای منگنه گذاشته و این کار را به او تحمیل کرده ام اما این طور نیست. جالب است بدانید که او مثل تمام بچه های دیگر دنیای بچگی خودش را هم دارد و تمام کارهایی را که انجام می دهد با میل و علاقه باطنی خودش است. من صرفا در حفظ شعر به او کمک می کنم.

در شعر گفتن هم ذوق دارد

نکته جالب توجه اینکه او با این سن کم گهگاهی شعرهایی در حد دو سه بیت می گوید که در این زمینه چون دانش ادبی و علم این کار را ندارد، سعی می کند روی ریتم مداحی ها شعر بگوید. مثلا آقای هلالی شعری درباره نجف دارد که محمد مهدی روی آن ریتم، سه بیت شعر گفته که کلا با شعر عبدالرضا هلالی متفاوت است.

الگو برداری هم می کند

هم خودم و هم محمد مهدی به صابر خراسانی خیلی علاقه مندیم. وقتی در ماشین با هم تمرین مداحی و شعر خوانی می کنیم، بیشتر کلیپ های تصویری از صابر خراسانی را برایش پخش می کنم و او هم به تمام حرکات ایشان نگاه می کند. استاد محسن عسکری از دیگر مداحان آذری زبان است که محمد مهدی خیلی کارهایش را دوست دارد. از نظر روضه خوانی هم به حاج حسن حسین خانی ارادت دارد. حاج حسن در مسجد امام محمد باقر (علیه السلام) در مهرآباد جنوبی روضه خوانی می کند. معمولا ماهی یکبار به مجلس او می رویم و محمد مهدی تمام حرکات او و نحوه اجرایش را در ذهنش ضبط می کند. یادم هست یکبار در مجلسی بودیم که محمد مهدی روضه خوانی می کرد، به یکبار میکروفن را برداشت و به وسط مجلس آمد. همه خنده شان گرفته بود اما او آنقدر اعتماد به نفس دارد که اصلا توجهی نکرد و کارش را ادامه داد. وقتی از او پرسیدم چرا این کار را کردی، گفت حاج حسن هم این کار را می کند.

شعر خوانی در نجف

زمانی که محمد مهدی برای ضبط برنامه زنده تلویزیونی به مناسبت رونمایی از گنبد زرین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز میلاد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) امام صادق (علیه السلام) به نجف دعوت شد در آنجا افتخار داشت ۱۰ دقیقه ای در مدح امیرالمؤمنین و پیامبر اکرم (علیه السلام) شعر خوانی کند. بالای صحن حضرت زهرا (علیه السلام) و کنار گنبد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آرزو کردم که محمد مهدی بتواند در محضر حضرت آقا هم شعر خوانی و روضه خوانی داشته باشد چرا که می دانم مقام معظم رهبری به نوگل ها توجه ویژه دارند. دوست دارم خدمت مقام معظم رهبری برسم تا نفس ایشان به محمد مهدی بخورد و برکت بیشتری پیدا کند. خود محمد مهدی هم چنین آرزویی دارد.

ارباب من حسین

شعری که محمد مهدی احمدی با الگو برداری از نوحه عبدالرضا هلالی سروده بدین شرح است:

می میرم برای حسین دو عالم فدای حسین
الهی که خاکم کنند تو صحن و سرای حسین
یا امام حسین اربابم یا امام حسین بی تابم
دست رحمت حسین حسین کوه غیرت حسین حسین
اعلی حضرت حسین حسین ارباب من حسین حسین



حفظ بیش از ۷۰۰ بیت شعر

من و محمد مهدی معمولا روزانه یک ساعت برنامه منسجم داریم که در این مدت مداحی و حفظ شعر را تمرین می کنیم. از آنجا که فرزند کوچک دیگری دارم، به ناچار با محمد مهدی به پارکینگ منزل می رویم و در داخل ماشین تمرین را انجام می دهیم. درواقع پارکینگ و ماشین ما تبدیل شده به یک کارگاه عملی برای مداحی و حفظ شعر. در این ساعات دو تا سه بیت به او یاد می دهیم و او هم حفظ می کند. چون سواد ندارد، باید برای او بخوانم و او با دقت هرچه تمام تر سعی به حفظ کردن آنها می کند و خدا را شکر تا الان موفق به حفظ بیش از ۷۰۰ بیت شعر شده



حسین احمدی پدر مداح هفت ساله از آرزوی خود و فرزندش می گوید

مداحی در محضر مقام معظم رهبری

سعید سعیدی

مداحی عشق به اهل بیت (علیهم السلام) است و زبانی است برای توصیف زیبایی ها و خصایص اهل بیت النبوه. مداحی کلامی است برای درک بهتر و بیشتر رنج های خاندان عصمت و طهارت. عشق سن و سال ندارد؛ به ویژه عشق به ائمه اطهار (علیهم السلام). این کلام از زبان هر که برآید خوش است. چه بسا اگر از کام شیرین نوگلی برآید که با مفهوم گناه بیگانه است. پس چه خوش است این مداحی و چه زیبا بر دل می نشیند. اینها را مقدمه ای کردیم تا از مداحی سخن بگوییم که این روزها حساسی سروصدا کرده؛ محمد مهدی احمدی مداح و روضه خوان هفت ساله ای که در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) مداحی و نوحه خوانی می کند. از این رو فرصتی دست داد تا با پدر محمد مهدی گفت و گو کنیم.

سر آغاز مداحی محمد مهدی

چون خودم ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) هستم، محمد مهدی را از شش ماهگی با خودم به هیأت می بردم تا با فضای این مجالس آشنا شود و از حب اهل بیت بی نصیب نماند. نکته جالب اینجا بود که وقتی محمد مهدی به دو سالگی نزدیک می شد متوجه شدیم که رفتارهایی از خود نشان می دهد که مانند مداحان است. مثلا در خانه روی صندلی می نشست و از وسیله ای مانند گوشتکوب یا چیزهایی مشابه آن به عنوان میکروفن استفاده می کرد. حالا این وسط دستانش را هم شبیه روضه خوان ها تکان می داد. وقتی این رفتارها را از او دیدم، انگیزه ای شد تا برای او یک میکروفن بخرم. هر چند محمد مهدی از چهار سالگی زبان باز کرد اما از همان دو سالگی این رفتارها در او استمرار داشت.

تعجب همگان را برانگیخته بود

وقتی اساتید او را می دیدند، باورش نمی شد و همه تعجب می کردند و می گفتند حتما او را به کلاس ببرم و آموزش های مداحی را در او ادامه دهم. نظرشان این بود که او در آینده خیلی موفق خواهد شد. یادم هست وقتی استاد غلامرضا سازگار محمد مهدی را دید، از من پرسید چند وقت است مداحی را شروع کرده؟ گفتم دو سالی هست. گفت امکان ندارد! رفتار او برای این یکی دو سال نیست. گفتم به او از پر قنداق عنایت شده. یعنی همان شش ماهگی که او را همراه با خودم به هیأت می بردم. وقتی صابر خراسانی اولین بار محمد مهدی را در حال روضه خوانی و شعر خوانی دید بسیار متعجب شد و با خنده به من گفت وقتی هفت ساله بودم هر جا می رفتم پشت مادرم قايم می شدم اما او با این سن



نخستین اردوگاه تخصصی ویژه نوجوانان و جوانان آستان مقدس امام رضا (ع) با حضور تولیت آستان قدس رضوی و خانواده‌های شهدای تیپ فاطمیون افتتاح شد. در این مراسم تولیت آستان قدس رضوی از خانواده‌های شهیدان حامد احمدی، محمدعلی رضائی، سیدحمید سجادی، علی خادمی و جانباز قطع نخاعی سیدنادر حسینی تقدیر به عمل آورد. مجموعه اردوگاه امام رضا (ع) در باغ «بیلدر» منطقه طریقه مشهد واقع شده است.



احترام به پیشکوت‌ها

یکی از کارهایی که خداوند به آن توصیه کرده احترام به بزرگ‌ترها، پیشکوتان و به ویژه ریش سفیدان است. حال اگر این توصیه را کمی ریزتر کنیم و آن را مربوط به بحث هیأت‌ها و مساجد کنیم، جلوه زیباتری هم پیدا می‌کند چراکه این احترام به بزرگ‌تر مجلس به نوعی احترام به مجلس اهل بیت (ع) است. باید این را در نظر گرفت که وقتی در هیأتی عزاداری می‌کنید این اطمینان را داشته باشید که شرایط کنونی هیأت یا مسجد به واسطه زحمات ریش سفیدانی است که از گذشته تاکنون در آنجا برای اهل بیت خدمت کرده‌اند و باید ضمن ادای احترام به آنها از شخصیت‌شان نیز الگوبرداری کنید. حال این احترام‌ها چگونه باید باشد؟ احترام گذاشتن کار سختی نیست اما نباید از آن سرسری رد شد و آن را نادیده گرفت. یکی از کارهایی که باید هنگام ورود یک ریش سفید به هیأت یا مسجد انجام دهید این است که حواستان باشد آیا جای مناسبی برای نشستن او وجود دارد یا خیر. اگر وجود ندارد از او بخواهید در جای شما بنشیند. اگر او حرفی می‌زند یا پیشنهادی می‌دهد، حرف او را حجت قرار دهید چراکه چند پیراهن بیشتر پاره کرده. پیامبر اکرم (ص) فرموده: «پیرمرد در میان قوم و قبیله خود مانند پیامبر در میان امت است». یعنی همان‌طوری که پیامبر تمام خوبی‌ها و صلاح‌ها را برای امت می‌خواهد و آنها را از بدی‌ها برحذر می‌دارد نقش یک پیرمرد ریش سفید در میان قوم و قبیله خود باید این‌گونه باشد و باز همان‌طوری که امت از پیامبر خود در همه مسائل حرف‌شنوی دارند، افراد قوم و قبیله هم باید از بزرگ خود در اموری که به صلاح آنهاست حرف‌شنوی داشته باشند، با بزرگ خود مقابله نکنند و احترام او را نگه‌دارند.



خدا! هنگامه، هنگامه سرنوشت ساز انتخاب است. عده‌ای جز تو را انتخاب می‌کنند و بی‌تردید به سراب می‌رسند. عده‌ای تو را و غیر تو را انتخاب می‌کنند و چون تو از شرک و شرارت بی‌زاری، یقیناً به منجذاب می‌افتند. عده‌ای فقط تو را انتخاب می‌کنند و فقط این گروهند که به زلال حیات بخش آب می‌رسند.

سید مهدی شجاعی



چهارده - ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

ویژه هیأت‌ها و محافل مذهبی

مدیر مسؤول و سردبیر: ایمان شمسایی

دبیر ویژه‌نامه: رضا صادی دبیر تحریریه: زکیه سعیدی

طراح ناماوه: محمد صدی

با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghigh.ir

www.qudsonline.ir

داریم با «حسین حسین» پیر می‌شویم...

یکی از سنت‌های زیبای هیأت‌های قدیمی گرفتن عکس یادگاری با کتیبه و پرچم هیأت بوده که در این سال‌ها فراموش شده. پیشنهاد می‌کنیم دست به کار شوید و پس از پایان مجلس تان یک عکس یادگاری دسته‌جمعی بگیرید و برای «چهارده» ایمیل کنید تا در همین صفحه منتشر شود.

qudsonline14@gmail.com



[خادمین هیأت عاشقان روح‌الله، مسجد منشور، تهران، میدان حر]



کانال تلگرام

عبدالرضا هلالی



عبدالرضا هلالی نیازی به معرفی ندارد؛ ملحق جوانی که با سبک‌های متفاوتی مداحی می‌کند و به قول معروف امروزی می‌خواند و همین باعث شده در میان نوجوانان و جوانان طرفداران بسیاری داشته باشد و خیلی‌ها هر جا که باشند خودشان را به مجلس او می‌رسانند. نوای دلنشین و شوری که می‌گیرد عده‌ای را به پامنبری‌های ثابت خود کرده. اگر از طرفداران و مخاطبان این ملحق جوان هستید و فرصت شرکت در مجالس او را ندارید می‌توانید با عضویت در کانال تلگرامی [telegram.me/helaliabdolreza](https://t.me/helaliabdolreza) او به نشانی آخرین مداحی‌هاش را بشنوید و از برنامه‌های او مطلع شوید.

اپلیکیشن

جاذبه حسینی

امام حسین (ع) از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که فقط در ماه محرم محدود نمی‌شود. سیره و آزادمردی آن حضرت دل حتی غیرمسلمانان را می‌بازاند، چه برسد به اینکه مسلمان باشی و شیعه حضرت امیر (ع) اگر مسافر عتبات عالیات هستی، نرم‌افزار «جاذبه حسینی» می‌تواند اطلاعات خوبی در این خصوص به شما ارائه دهد. «جاذبه حسینی» یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین نرم‌افزارهاست که شامل بخش‌هایی مانند قبل از سفر و در عراق و بعد از سفر و نیز حاوی اطلاعات کاملی مانند شرایط سفر، آداب و رسوم زیارت، روضه و مداحی و سخنرانی‌های صوتی درباره امام حسین (ع) است. کافی است این برنامه را روی گوشی یا تبلت خود نصب کنید و از تمام امکانات آن استفاده کنید.



کتاب

پدر، عشق و پسر



«پدر، عشق و پسر» کتابی نوشته سیدمهدی شجاعی است که در آن فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر (ع) به تصویر کشیده شده. وقایع از زبان اسب آن حضرت (عقاب) روایت می‌شوند و مخاطب راوی در داستان، لیلی بنت ابی مره مادر گرامی حضرت علی اکبر (ع) است. این کتاب در ۱۰ بخش با عنوان «مجلس» فصل‌بندی شده و در انتهای هر مجلس به گونه‌ای به واقعه کربلا مربوط و منتسب می‌شود و بدین ترتیب تمام مجالس رنگ عاشورایی خود را حفظ می‌کنند. داستان از چگونگی رسیدن «عقاب» به حضرت علی اکبر (ع) شروع می‌شود. این کتاب توسط انتشارات نیستان منتشر شده است.